

پیامدهای زندگی در خیابان برای دختران کار

زهره میرحسینی^{۱*}، الهه قربانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱

چکیده

مقاله حاضر مبتنی بر پژوهشی کیفی است که در آن پیامدها و تبعات زندگی در خیابان برای دختران کار در شهر تهران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. به منظور گردآوری داده‌ها، با ۲۰ دختر ۸ تا ۱۶ ساله که تجربه کار در خیابان را داشته‌اند، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده است. روند مصاحبه بر اساس مطالعه عمیق پرسش‌های محوری بوده و با استفاده از روش کلایزی، تحلیل شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد پیامدها و تبعات حضور دختران کار در خیابان، در سه مضمون اصلی «مخاطرات خیابانی و دخترانگی مخدوش شده»، «بی‌پناهی؛ ترس و نگرانی‌های مداوم»، «کودکی مختل شده دختران و چرخه محرومیت»، قابل مقوله‌بندی است. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، راهکارهای مشارکت کنندگان در این پژوهش، به منظور کنار آمدن با پدیده کارشان در خیابان را نیز می‌توان در چهار مقوله اصلی «ازدواج»، «پایبندی به ارزشهای دینی»، «ایجاد اشتغال خانگی»، «آرزوی بازگشتن به وطن» دسته‌بندی نمود. در مجموع نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، اگرچه کار در خیابان برای کودکان دارای پیامدها و تبعات منفی زیادی است، با این حال کار دختران تحت تأثیر موقعیت فرودست آنها در جامعه، انتظارات و الگوهای نقشی و در تلاقی با جنسیت و مناسبات و روابط جنسیتی در جامعه، برای آنها تبعات و پیامدهای مضاعف و ماندگارتری به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: کودکان کار، دختران خیابان، آسیب‌های اجتماعی - اقتصادی، فقر، روش کیفی.

۱ استادیار گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،

(نویسنده مسئول)؛ z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و

اقتصادی، تهران، ایران eghorbani@student.alzahra.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

پدیده کار کودکان در خیابان نه تنها پدیده‌ای نوظهور نیست و در گذشته نیز وجود داشته و در بسیاری از دوره‌ها و همچنین در برخی کشورها امری رایج و متداول نیز بوده است (هزار جریبی و آستین افشان، ۱۳۸۶: ۲۸)، با این حال در فرایند تغییر و تحولات اجتماعی و در دسته بندی مسائل اجتماعی، امروزه به عنوان یک آسیب اجتماعی و ناقض حقوق کودکان برشمرده می‌شود، به طوری که یونیسف (۲۰۰۴) کار کودکان را به عنوان ناقض اصلی و اساسی حقوق انسانی آنها، به ویژه در زمینه حقوق آموزشی، سلامتی و رشد ذهنی و جسمی معرفی می‌نماید (یونیسف^۱، ۲۰۰۴). در توضیح علل بوجود آمدن این پدیده، عوامل مختلفی از جمله خشونت خانوادگی، عدم سیاست‌گذاری دولت در زمینه کنترل جمعیت، جنگ، فقدان ارزشهای سنتی، ناآگاهی کودک از قوانین حمایت کننده، ضعف قوانین را می‌توان برشمرد (شیشه گران و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۴۸۱).

طبق تعریف ایلو^۲ (۲۰۱۷) کودکان کار در خیابان، کودکانی هستند که به کارهای نامرسوم و گذرا اشتغال دارند. این کارها مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، از جمله دوره‌گردی، تکدی‌گری، تمیز کردن ماشین‌ها، جمع‌آوری زباله، سرقت، فحشا و غیره را شامل می‌شود (ایلو، ۲۰۱۷: ۲). این کودکان در اغلب کشورهای جهان، چه کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای پیشرفته دیده می‌شوند (آپتکار و استوکلین^۳، ۲۰۱۴)، به طوری که بنا بر آمارهای موجود در سطح جهان در حدود ۱۵۲ میلیون کودک، درگیر کار هستند (ایلو، ۲۰۱۷).

حضور کودکان کار در خیابان یک معضل اجتماعی است و محققان و پژوهشگران متعددی در سال‌های اخیر به بررسی ابعاد و زمینه‌های شکلگیری آن پرداخته اند (رجوع شود به تحقیقاتی نظیر؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ فولادیان و همکاران، ۱۳۹۴؛ سادات حسینی، ۱۳۹۶؛ برات وند و نورزاده، ۱۳۸۹ و سایرین)، با این حال آنچه در این بین حائز اهمیت و توجه بیشتر است، بررسی پدیده کار دختران در خیابان و مطالعه پیامدها و تبعات این پدیده است که با وجود حضور کمتر دختران کار در خیابان، در مقایسه با پسران (آلام^۴ و همکاران، ۲۰۱۵)، ممکن

1 unicef

2 ILO (International Labour Organization)

3 Aptekar and stoecklin

4 Alam

است آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و اقتصادی مضاعفی را در پی داشته باشد، چرا که پدیده دختران کار در خیابان دارای ابعاد و جنبه‌های ناشناخته‌ای بوده و بندرت در ادبیات علمی به طور مستقل مورد مطالعه قرار گرفته و یا بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای بدان پرداخته شده است (میرحسینی و قربانی، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۱۱).

این در حالی است که با توجه به بسترها و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، حضور دختران در مکان‌های عمومی و مواجهه دائمی با فضاهای شهری و افراد مختلف و در نهایت اشتغال به کسب و کارهای سطح پایین، می‌تواند احتمال بروز آسیب و مسائل مختلف را در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی در زندگی روزمره آنها افزایش دهد.

حضور دختران در خیابان آنها را در مقایسه با پسران بیشتر در معرض سوء استفاده و آسیب قرار داده (خیری حسن و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۹۵) و آنها را مستعد قربانی شدن در برابر انواع آسیب‌های اجتماعی از قبیل، تن‌فروشی، بیماری‌های جسمی و روانی و همچنین در معرض طیف‌های گوناگون خشونت قرار می‌دهد. علاوه بر این، کار دختران در مقایسه با پسران، پیامدها و تبعات منفی بیشتری بر سلامت روان آنها دارد (پلنک^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین پرداختن به مسئله کار دختران در خیابان و شناسایی پیامدها و تبعات این حضور بر زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این رو، در این تحقیق تلاش شده، با استفاده از روش تحقیق کیفی و شنیدن روایت‌های دختران، پیامدهای حضور دختران کار در خیابان مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این، این پژوهش به دنبال شناسایی و فهم نحوه مواجهه و کنار آمدن این دختران با شرایط زندگی و تجربه کار در خیابان است. در نهایت این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤالات است که کار دختران و حضور آنها در خیابان چه اثرات و تبعاتی برای آنها به دنبال دارد و آنها از چه شیوه‌ها و راهکارهایی به منظور به حداقل رسانیدن آسیب‌هایشان بهره می‌گیرند.

مرور پیشینه و ادبیات تجربی:

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، اگرچه تا کنون تحقیقات و پژوهش‌های متعددی به مسئله کار کودکان در خیابان پرداخته و مسائلی نظیر عوامل مؤثر بر کار کودکان (وزیری، ۲۰۱۹؛

هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۸۶)، سلامت اجتماعی کودکان (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴)، سلامت روان کودکان کار (پلنک و همکاران، ۲۰۲۱) سوءاستفاده جنسی و آثار آن (خیری حسن و همکاران، ۱۳۹۵)، بزه در کودکان کار (شیشه گران و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷) و زیست خیابانی کودکان کار و ابعاد آن (فولادیان و همکاران، ۱۳۹۴؛ برات وند و نورزاده، ۱۳۸۹)، فقر و معضلات مالی (رضا و برومفیلد^۱، ۲۰۱۹) و مواردی نظیر این را مطالعه و بررسی کرده‌اند. با این حال اکثر این تحقیقات، پدیده کار و زندگی کودکان در خیابان را فارغ از جنسیت مورد مطالعه قرار داده و یا در برخی از این پژوهش‌ها متغیر جنسیت به عنوان متغیری حاشیه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه برخی از این تحقیقات که ارتباط نزدیکی با موضوع این پژوهش دارند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در دو بخش مطالعات خارجی و داخلی بدان‌ها اشاره شده است.

مطالعات خارجی

پلنک و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای مقایسه‌ای به بررسی سلامت روان و رفاه در کودکان کار پرداخته‌اند. در این پژوهش، ۹۱۵ کودک کار با ۶۳۸ کودک غیرکار در دو گروه مقایسه شده‌اند. در پژوهش مذکور، با استفاده از تحلیل عاملی، شش بعد از «بهداشت روانی اجتماعی» کودکان کار، شامل استرس، عزت نفس، نظارت، احساسات، امنیت فردی و احساس بدرفتاری، شناسایی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، در تمامی ابعاد اندازه‌گیری شده، تبعات و پیامدهای کار کودکان بر دختران اثرات و نتایج منفی شدیدتری برجای گذاشته است.

لیتن و استرل^۲ (۲۰۱۴) در «کتاب زندگی کودک در خیابان» کار میدانی عمیقی را با تجزیه و تحلیل ۱۱۰۰ کودک کار در خیابان درکوزکو و لیما در پرو انجام دادند و آشکار نمودند که فقط بعضی از کودکان، خیابان‌ها را به عنوان مکان همیشگی خود می‌دانند و اکثر کودکان جریان مداوم بین خیابان‌ها و خانه‌های خود را تجربه می‌کنند، حتی کسانی که در خیابان زندگی می‌کنند، گزارش دادند که به طور پراکنده به خانواده‌های خود مراجعه می‌کنند. دلیل اصلی این که چرا این کودکان مجبور به ترک خانه خود شدند فقر، بدرفتاری و یک خانواده ناکارآمد است.

1 Reza & Bromfield

2 Lieten & Strehl

از طرف دیگر، جنبه‌های زندگی خیابانی که کودکان به عنوان تجربه مثبت و جذاب از آن یاد می‌کنند، نقشی اساسی در حضور آنها در خیابان دارد. موارد برجسته مثبت در نظر آنان عبارت بودند از؛ استقلال، آزادی، زندگی در شهر به تنهایی و فرصت کسب درآمد. همچنین رایج‌ترین روش امرار معاش بچه‌ها فروش محصولات در خیابان است، اگرچه بسیاری از آنها نیز به سرقت‌های کوچک متوسل شده‌اند.

شارما و ورما^۱ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای را با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی انجام دادند که در آن زندگی ۱۱۵ دختر در خیابان، مورد تحلیل قرار گرفته است. داده‌ها از شهرهای دهلی نو (هند)، جاکارتا (اندونزی)، مانیل (فیلیپین) و پرتوریا (آفریقای جنوبی) جمع‌آوری شد. میانگین سنی نمونه ۱۵/۱۷ سال بود و نمونه‌ها، کودکان مبتنی بر خانواده، خیابان و کودکان مستقر در پناهگاه بودند. نتایج نشان داده است که دخترانی که در خیابان زندگی می‌کنند در معرض حداکثر خطر درگیر شدن در فعالیت‌های ضد اجتماعی با همسالان، کمبود راه حل مسئله و افزایش افسردگی و مشکلات مربوط به بهداشت روانی قرار دارند. با این حال، میزانی از مشارکت در جامعه، دینداری و ویژگی‌های فردی، عزت نفس، خودکارآمدی و تاب‌آوری در دختران مشاهده شد. در این پژوهش تاکید شده، با توجه به موقعیت آسیب‌پذیر کودکان دختر در خیابان‌ها، برنامه‌هایی که مستقیماً به بهزیستی و سلامتی کودکان دختر می‌پردازند، به ویژه کسانی که در خیابان مستقر هستند، مهم است که مورد بررسی قرار گیرند.

آودو و همکاران^۲ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با موضوع «کار کودکان و تجاوز جنسی در دختران نیجریه»، ۳۵۰ دختر با پاسخ‌دهی ۹۰/۳ درصد را مورد مطالعه قرار دادند. میانگین سنی دختران ۹/۱۴ و میانگین کار روزانه آنها، ۵/۸ ساعت بوده است. ۳۳/۴ درصد دختران تحصیلات رسمی نداشتند و ۷۸/۵ درصد در حال حاضر مدرسه نمی‌رفتند. میزان حملات جنسی ۷۷/۷ بوده است که ۳۸/۶ مورد حمله مشتریان مهاجم بودند. همچنین طبق نتایج بدست آمده احتمال حمله جنسی در دختران کمتر از ۱۲ سال بیشتر بوده است. برای دختران جوانتر که ساعت‌های کمتری کار می‌کنند احتمال خطر حمله جنسی در آنها رو به کاهش است.

1 Sharma & Verma

2 Audu.et.al

مطالعات داخلی

علاوه بر پژوهشگران خارجی، در ایران نیز محققان متعددی به مسئله کار کودکان در خیابان توجه نشان داشته‌اند. با این حال در بین این پژوهش‌ها نیز در بسیاری مواقع پدیده کار دختران در خیابان مغفول مانده است. در ادامه برخی از این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

میرحسینی و قربانی (۱۳۹۸) مطالعه‌ای با استفاده از روش تحقیق کیفی و مطالعات پدیدارشناسانه تحت عنوان «تجربه زیسته دختران کار خیابانی؛ در بستر ملاحظات جنستی و تفاوت‌های قومیتی» انجام داده‌اند. در این پژوهش با ۲۳ دختر ۶ تا ۱۶ ساله شهر تهران که تجربه کار در خیابان را داشته‌اند، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته انجام شده است. این پژوهش به دنبال درک و معنای کار دختران تحت تأثیر جنسیت با توجه به ویژگی‌های خانوادگی و اجتماعی بوده است. یافته‌ها درک و توصیف دختران از کار در خیابان و فهم روایت‌های آنها در چهار مضمون اصلی «ویژگی‌های زمینه‌ای و قومیتی»، «سنخ‌شناسی فعالیت‌های روزمره مبتنی بر جنسیت»، «حیطه‌های فضایی و مکانی کار» و «مهارت‌ها و ترفندها»، مورد بررسی قرار داده است. همچنین «زندگی در خانواده‌های از هم گسیخته»، «فروستگی و درماندگی دختران و خانواده‌های آنان»، «کار دختران به مثابه حمایت از خانواده»، «استثمار و کنترل شدید دختران کار توسط خانواده» زمینه‌ساز ورود آنان به خیابان و کار اجباری است.

فولادیان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان روایت پژوهی کودک کار شدن در شهر مشهد، از تکنیک مصاحبه روایی به منظور درک شیوه زندگی کودکان کار ساکن شهر مشهد استفاده کرده‌اند. ایشان فرآیندهای کلی کودک کار شدن را شامل فقر اقتصادی در کنار اعتیاد خانواده، وجود خرده فرهنگ کار و تکدی‌گری در خانواده و بی مسئولیتی والدین، بیان کرده‌اند. افشانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان نشان دادند، فقر از عوامل اصلی مؤثر در شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی و کار است و بین فروپاشی خانواده (اعتیاد، طلاق، زندان رفتن والدین، فوت والدین، اعمال خشونت علیه کودکان، آزار جسمی کودکان) و روی آوردن کودکان به خیابان و کار رابطه وجود دارد. همچنین بین تحصیلات والدین و روی آوردن کودکان به خیابان و کار رابطه وجود دارد. بدین معنا که هر چه تحصیلات والدین پایین‌تر باشد، امکان تبدیل شدن به کودکان کار خیابانی بیشتر می‌شود.

همچنین ۴/۸ درصد پاسخگویان یک تا پنج بار، ۳/۳ درصد پاسخگویان بین پنج تا ده بار و ۳/۲ درصد پاسخگویان، ده بار و بالاتر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند.

چارچوب مفهومی

در این مقاله، مطابق با سنت روش تحقیق کیفی برخی دیدگاه نظری موجود در ارتباط با پدیده دختران کار در خیابان، به عنوان چارچوب مفهومی پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است. در پژوهش‌های کیفی مفاهیم نظری به عنوان چارچوب‌های مفهومی ارجاعی در تمام مراحل تحقیق مورد استناد قرار می‌گیرند. با این حال این بدان معنی نیست که این نظریات برای هدایت و جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل استفاده شده‌اند. بنابراین تعیین‌کننده‌ی چارچوب مشاهده و تبیین موضوع نیستند، بلکه راهنماهایی را برای جستجوی داده‌ها در تحقیقات پیشنهاد می‌کنند (کرسول و پات،^۱ ۲۰۱۶).

در بررسی ادبیات نظری پژوهش و در رویکرد جامعه‌شناسی، پدیده کودکان کار به مثابه یک مسئله اجتماعی تلقی شده و کودکان کار بیش از آن که برهکار و یا منحرف قلمداد شوند، به نوعی در زمره قربانیان و آسیب دیده‌گان اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند. مهاجرت، شهرنشینی و تغییر و تحولات اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن، از جمله عواملی است که در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی به عنوان زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری پدیده کار کودکان، شناسایی شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۳-۵۴). علاوه بر این در بررسی پیامدها و تبعات کار دختران می‌توان به دو رویکرد «طرد و عدم ادغام اجتماعی» و «فروستی جنسیتی، فقر و تجربه خشونت»، نیز ارجاع نمود.

طرد و عدم ادغام اجتماعی

طرد و عدم ادغام اجتماعی؛ وضعیت و موقعیتی است که جامعه تحت تاثیر مجموعه‌ای از محرومیت‌ها و ناکامی‌ها برای افراد و یا برخی گروه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند، به نحوی که مانع فعالیت‌ها و مشارکت آنها در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌شود (گیدنز و ساوتن^۲، ۲۰۰۱). فقدان قوانین حمایتی، عدم دسترسی به خدمات و شبکه‌های اجتماعی، فقر و

1 creswell & Poth

2 Giddens & Sutton

محرومیت و مواردی نظیر این، از جمله عواملی است که زمینه طرد و عدم ادغام اجتماعی را برای برخی افراد، به ویژه برای گروه‌های در حاشیه و فرودست در جامعه ایجاد می‌کند. این وضعیت می‌تواند در کنار برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، قومیت، نژاد و همچنین موقعیت‌های مالی و اقتصادی تشدید یافته و افراد را در چرخه‌ای از محرومیت و دور باطل آسیب نگه دارد.

فرودستی جنسیتی، فقر و تجربه خشونت

در این رویکرد توجه اصلی معطوف به شرایط اجتماعی و عواملی نظیر فقر مادی، ناکامی‌های اجتماعی و همچنین موانع دستیابی به اهداف اجتماعی و رابطه آن با تجربه خشونت و آزار در میان زنان است، شرایطی نظیر فقدان مسکن مناسب، بیکاری و یا اشتغال به مشاغل سطح پایین و یا نامناسب، که زنان و دختران را در موقعیت فرودست قرار داده و در نتیجه زمینه تجربه خشونت و آزار را در زندگی آنها فراهم می‌سازد. شرایط و ناکامی‌هایی که معمولاً در میان اقشار و طبقات پایین جامعه مشهودتر است و زنان و دختران این طبقه را در مقایسه با زنان و دختران سایر طبقات اجتماعی مستعد تجربه خشونت و آزار بیشتر می‌نماید (اعزازی، ۱۳۸۳: ۷۵). با توجه به این رویکرد می‌توان گفت، دختران کار در خیابان تحت تأثیر شرایط و موقعیت نامناسب اجتماعی، ممکن است خشونت و آزار بیشتری را در طول زندگی خود تجربه کرده و این مسئله از جمله پیامدها و تبعات حضور آنها در خیابان و کار محسوب می‌شود.

روش تحقیق

مطالعه حاضر تحقیقی کیفی و پدیدارشناسانه است. مطالعه پدیدارشناسی معنای تجارب زیسته را برای چندین فرد در مورد یک مفهوم یا پدیده توصیف می‌کند (کرسول و پات، ۲۰۱۶). در روش پدیدارشناسی محقق، برای جمع‌آوری داده‌ها در کنار مشارکت همراه با مشاهده، به مشاهده مشارکت‌کنندگان نیز می‌پردازد. بنابراین تجارب خود را نیز بررسی می‌کند. بر این اساس محقق به واسطه‌ی خود به ذهن و تجربیات‌اش دسترسی دارد و از طریق تقلیل‌گرایی قاعده‌مند (در پراتنز قرار دادن) یک تحلیل پدیدارشناختی ارائه دهد. این روش برای بررسی

جهان‌های اجتماعی کوچک برای محققان پدیدارشناس مورد استفاده قرار می‌گیرد (ابراهیمی لویه، ۱۳۹۶: ۱۷۸).

جمعیت آماری این تحقیق شامل کلیه دختران کار شهر تهران است که همه آنها تجربه زیسته مشترک حضور و کار در خیابان را دارند. منظور از دختران کار در شهر تهران کسانی است که ساعاتی را در خیابان به فروشندگی اجناس مختلف می‌پردازند و یا کسانی که در گذشته در خیابان‌ها به کار مشغول بوده‌اند. دسترسی به نمونه مورد نظر، مصاحبه و مشاهدات در مکان‌های مختلف از قبیل بهزیستی شهدای افسریه، خانه‌های ایرانی (علم) که زیر مجموعه‌های جمعیت امام علی(ع) است و پاتوق‌های مختلف دختران کار از جمله پارک ملت، مترو، و خیابان‌های سطح شهر انجام شده است.

نحوه نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها

در این مطالعه، از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته کیفی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده و این مصاحبه‌ها در فضاهای مختلفی چون خیابان و هنگام کار کودکان، در خانه ایرانی^۱ و بهزیستی به عنوان محل‌های نگهداری و آموزش این دختران انجام شده و هر مصاحبه حدوداً ۴۰ الی ۱۲۰ دقیقه و می‌توان گفت زمان متوسط مصاحبه‌ها یک ساعت و نیم بوده است. داده‌های مصاحبه‌ها با اجازه مسئولان و دختران مصاحبه شونده، ضبط و سپس پیاده‌سازی شده است. اغلب مصاحبه‌ها کاملاً خصوصی بوده است؛ لکن در بعضی موارد نیز مصاحبه‌ها با حضور مددکار اجتماعی یا فرد دیگری که از پرسنل و کارکنان خدماتی بهزیستی بودند انجام شده است. با این حال در تمامی مصاحبه‌ها ابتدا فرایند تحقیق و موضوع آن به صورتی قابل فهم برای مشارکت کنندگان توضیح داده شده و از آنها خواسته شده تا در صورت تمایل به سؤالات پاسخ دهند و هر سؤالی را که مایل به پاسخ‌گویی نبودند، جواب نداده و هر زمان که خواستند، به مصاحبه پایان دهند.

۱ خانه‌های ایرانی زیرمجموعه جمعیت امام علی(ع) است که حدود ۶۱۰۰ کودک را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. این جمعیت در حال حاضر ۴۴ مرکز شامل یک دفتر روابط عمومی، ۴۳ خانه ایرانی و نمایندگی فعال در ۱۶ استان کشور از جمله در شهرهای تهران (محله‌های مولوی، خاک سفید، دروازه غار، لب خط فرخزاد و شهر ری، شیراز، مشهد، تبریز، اصفهان، کرمان، بوشهر، کرمانشاه، ساری، گرگان، کرج و ... دارد.

در مجموع در این مطالعه با تأکید بر رویکرد پدیدارشناسی برای مطالعه پدیده دختران کار در خیابان و بررسی پیامدهای کار و حضور دائمی آنان در خیابان و همچنین شناسایی راهکارهای دختران کار در خیابان در مواجهه با کار روزمره، با ۲۰ دختر ۸ تا ۱۶ ساله که تمامی آنان تجربه‌ی زیسته مشترک کار در خیابان دارند، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته شده است.

به منظور انتخاب نمونه‌های مورد بررسی، روش نمونه‌گیری هدفمند به کار گرفته شده است. در این روش نمونه‌ها براساس معیارهای پیشنهادی و برای تکمیل شواهد و داده‌های مربوط به موضوع انتخاب می‌شوند. اندازه نمونه بستگی به منابع و زمان موجود و همچنین اهداف مطالعه دارد. اندازه نمونه هدفمند اغلب براساس اشباع نظری تعیین می‌شود (مک^۱، ۱۳۹۷: ۲۸). بنابراین در این پژوهش حجم نمونه و انتخاب نمونه تا اشباع داده‌ها یعنی تا جایی که داده‌های اضافی از مصاحبه‌های انجام شده بدست نیامده است و اطلاعات پس از آن مشابه به نظر می‌رسید، پیش رفته است.

با توجه به اینکه در این پژوهش دختران از نظر سنی و جنسی و ویژگی‌های مطالعاتی نسبتاً یکدست بودند و نیز با یکدیگر احساس صمیمیت داشتند برای افزایش اعتبار داده‌ها از تکنیک مشاهده و مصاحبه‌های گروهی نیز استفاده شده است. یکی از امتیازات مصاحبه گروهی این است که محقق می‌تواند دسترسی به مجموعه‌ای از اطلاعات با ارزش را در زمان نسبتاً محدودی بدست آورد که زمینه‌ساز دسترسی به مجموعه‌ای از نظریات مختلف خواهد شد (استربرگ^۲، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

برای اطمینان از صحت اطلاعات بدست آمده و افزایش اعتبار داده‌ها، از مصاحبه‌ها و گفتگوها با دختران کار، مددکاران بهزیستی و معلمان و مسئولین خانه‌های علم به عنوان مطلع که همچنین ارتباط نزدیک و دوستانه‌ای با دختران و خانواده‌های آنان داشتند نیز استفاده شده است. علاوه بر این، به منظور افزایش اعتبار داده‌های جمع‌آوری شده نه تنها مصاحبه‌ها در مکان‌ها و زمان‌های مختلفی انجام شده، بلکه داده‌های جمع‌آوری شده اعم از صوتی و نوشتاری بارها مورد بازبینی قرا گرفته و در صورت ناتمام بودن، ابهام و تناقض گفتگوها، داده‌های جمع‌آوری شده حذف شده‌اند.

1 Mc

2 Sterberg

روش تحلیل داده‌ها

مرحله تحلیل داده‌ها در پژوهش کیفی هم زمان با مرحله جمع‌آوری داده‌ها، آغاز می‌شود. از این رو در این پژوهش نیز بعد از پایان هر مصاحبه، ابتدا فایل صوتی مصاحبه در قالب متن، پیاده سازی شده و در مرحله بعد، مطابق با شیوه تحلیل داده‌های کلایزی^۱ (۱۹۷۸)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدین صورت که در گام اول محقق تلاش نموده با یادداشت، برداشته‌ها و تصورات ذهنی خود از پدیده کار دختران در خیابان، تصورات و برداشته‌های ذهنی خود را آشکار نموده و تا حد امکان با ذهنی خالی وارد مرحله تحلیل داده‌ها شود. در گام بعدی هر یک از مصاحبه‌ها چندین بار مورد بازخوانی قرار گرفته و یادداشت‌های حاشیه‌ای که اغلب در فرایند مصاحبه و از خلال مشاهده بدست آمده نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. مرحله بعد مرحله کدگذاری اولیه و شناسایی مفاهیم اولیه از میان روایت‌های مصاحبه شوندگان است. بعد از این مرحله نوبت به خوشه‌بندی و مقوله‌بندی‌های اولیه در پس جمع‌آوری اظهارات مهم هر یک از مشارکت‌کنندگان در پژوهش است که در گام‌های بعدی فرایند تحلیل داده‌ها، از طریق رفت و برگشت به مصاحبه‌ها و کدها و مفاهیم استخراج شده و در نهایت از طریق مقایسه، حذف و یا ادغام، مقوله‌ها و مضامین اصلی بدست آمده است.

سؤالات محوری تحقیق

در این پژوهش همانطور که ذکر شد از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته استفاده شده است. بدین صورت که از هریک از مشارکت‌کنندگان با توجه به ویژگی‌های فردی و همچنین نحوه پاسخگویی به سؤالات، بر اساس سؤالات محوری تحقیق سؤالات منعطفی پرسیده شده است. سؤالات محوری این پژوهش عبارتند از:

- ۱- دختران مصاحبه شونده، کار در خیابان را چگونه تفسیر و توصیف می‌کنند؟
- ۲- کار در خیابان برای دختران مشارکت‌کننده در این پژوهش چه پیامدها و تبعاتی را به دنبال داشته است؟
- ۳- نحوه مواجهه دختران مصاحبه شونده با این پیامدها چگونه بوده است؟

۴- دختران کار در خیابان چگونه با ابعاد کار و تجربه زندگی در خیابان کنار آمده و چه راهکارهایی را به کار می‌بندند؟

یافته‌ها

بخش یافته‌های تحقیق، حاصل تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با دختران کار در شهر تهران است. در این پژوهش، پیامدها و تبعات حضور روزمره آنان در خیابان بنا بر روایت خود دختران کار که حاصل ویژگی‌های فردی و تجربه زیسته آنها است، مورد مطالعه قرار گرفته است. به منظور افزایش اعتبار و بازنمایی دقیق روایت‌هایی که مشارکت کنندگان در خصوص موضوع مورد مطالعه داشته‌اند، نقل قولهای مستقیم آنها، ذکر گردیده است.

۱- سیمای مشارکت کنندگان

جدول (۱): سیمای مشارکت کنندگان

کد مشارکت کنندگان	سن	تحصیلات	ملیت	زندگی	محل مصاحبه
۰۱	۱۶	نهم	افغان	پدر و مادر	خانه ایرانی
۰۲	۸	بی سواد	افغان- ایران	پدر و مادر	خانه ایرانی
۰۳	۱۳	ابتدایی	ایرانی	پدر و مادر	خانه ایرانی
۰۴	۱۶	راهنمایی	ایرانی	پدر و مادر	خانه ایرانی
۰۵	۱۵	راهنمایی	افغان- ایران	پدر و مادر	خانه ایرانی
۰۶	۱۱	دوم	افغان	مادر	مترو تجریش
۰۷	۱۱	بی سواد	افغان	مادر	مترو تجریش
۰۸	۱۲	دوم راهنمایی	ایرانی	مادر و پدر ناتنی	بهزیستی
۰۹	۱۳	ابتدایی	ایرانی	پدر و مادر	خانه ایرانی
۱۰	۱۰	بی سواد	افغان	مادر	چهارراه ولیعصر
۱۱	۸	بی سواد	افغان	مادر	ایستگاه بی آر تی

ادامه جدول (۱): سیمای مشارکت کنندگان

کد مشارکت کنندگان	سن	تحصیلات	ملیت	زندگی	محل مصاحبه
۱۲	۸	دوم ابتدایی	افغان	پدر و مادر	ایستگاه بی آر تی
۱۳	۱۴	بی سواد	ایرانی	عمو	بهزیستی
۱۴	۱۳	دوم راهنمایی	افغان	پدر و مادر	خانه ایرانی
۱۵	۱۳	بی سواد	ایرانی	پدر و مادر	خانه ایرانی
۱۶	۱۵	هشتم	افغان	پدر و مادر	خانه ایرانی
۱۷	۱۵	راهنمایی	افغان	پدر و مادر	خانه ایرانی
۱۸	۸	بی سواد	ایرانی	مادر	خانه ایرانی
۱۹	۸	بی سواد	افغان- ایران	پدر	بهزیستی
۲۰	۱۵	سوم راهنمایی	ایرانی	پدر و مادر	خانه ایرانی

تعداد افراد مشارکت کننده ۳۰ نفر بودند که به دلیل عدم اطمینان و صحت گفتگوها و همچنین مشکلات به وجود آمده در حین مصاحبه به ۲۰ نفر تقلیل یافتند. ملاک ورود به هر مصاحبه، تجربه زیسته کار در خیابان و همچنین داشتن سن کمتر از ۱۸ سال بوده است. بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت کنندگان نشان می‌دهد، از میان مصاحبه شوندگان ۸ نفر ایرانی‌اند (ایرانی-کولی که بیشتر آنان از شهرهای شمالی و مشهد به تهران مهاجرت کرده‌اند) و نیمی را دختران افغان که در گذشته با والدین خود به ایران مهاجرت کرده‌اند تشکیل می‌دهند، (۹ نفر). ۳ نفر از دختران نیز، افغان-ایرانی و متولد ایران هستند که والدین آنان قبل از تولدشان به ایران مهاجرت کرده‌اند. ۱۳ نفر مصاحبه شوندگان بی سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی و ۷ نفر آنها تا کلاس نهم درس خوانده‌اند. ۱۶ نفر مصاحبه شوندگان مجرد و ۴ نفر آنها ازدواج کرده بودند. در میان دختران متأهل دو نفر در سن ۱۳ سالگی یک نفر در سن ۱۰ سالگی و یک نفر در سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده بودند. والدین ۱۸ نفر از مصاحبه شوندگان به مواد مخدر اعتیاد داشتند.

۲- تبعات و پیامدهای کار در خیابان برای دختران

کار و زندگی در خیابان برای دختران، بویژه دختران کم سن و سال، پیامدهای ناگواری در زندگی آنان به همراه دارد که بنا بر تحلیل داده‌های این پژوهش، در نهایت در سه مقوله «حضور و زندگی در محیط‌های پرخطر»، «ترس و نگرانی‌های مداوم»، «محرومیت‌های جسمی، روانی، اجتماعی» دسته‌بندی شده که در ادامه بدان پرداخته شده است.

۲-۱- مخاطرات خیابانی و دخترانگی مخدوش شده

تحلیل روایت‌های دختران مشارکت‌کننده در این پژوهش نشان می‌دهد، «مخاطرات خیابانی و دخترانگی مخدوش شده» یکی از مهمترین تبعات و پیامدهای کار در خیابان برای دختران است که خود در سه مقوله فرعی «تجربه کار زود هنگام در محیط‌های پرمخاطره»، «تجربه خشونت، دست‌درازی و آزار» و «عضویت در شبکه کار گروهی و باندها»، قابل دسته‌بندی است.

۲-۱-۱- تجربه کار زود هنگام در محیط‌های پرمخاطره و نامناسب

روایت‌های دختران مشارکت‌کننده نشان می‌دهد، حضور دختران کار در خیابان و مواجهه آنها با افرادی که اغلب از لحاظ سنی و جنسیتی با آنها متفاوت هستند، دربردارنده تجربه‌های تلخی است که در بلند مدت، ممکن است آثار ناخوشایند آن را در زندگیشان احساس کنند. این تجارب، تهدیدی برای کودکی و به ویژه دخترانگی آنها است، تجربه حضور و کار در محیط‌های پرمخاطره شهری و روابط با غریبه‌های بزرگسال برای کار و کسب درآمد که در اغلب مواقع آنها را در معرض طیف گسترده‌ای از مخاطرات و رفتارهای خشونت‌آمیز کلامی و غیرکلامی نظیر فحش و ناسزا و انواع آزارها و خشونت‌های خیابانی قرار می‌دهد. (مشارکت‌کننده کد ۰۴) در این ارتباط می‌گوید:

«تو خیابون، مردم بهمون فحش می‌دن. شب خیلی می‌ترسیم، خیلی باید مواظب خودمون

باشیم کسی اذیتمون نکنه»

در مورد دیگر (مشارکت‌کننده کد ۲۰) که در خانه ایرانی با او مصاحبه شده، می‌گوید:

«اصلاً محیط خیابون خوب نیست. چون آدم‌ها به جوری با آدم برخورد می‌کنن... یکی فحش می‌ده یکی می‌گه برو گمشو من نمی‌خوام... بعضیا خیلی بد اخلاقن. باهات درست صحبت نمی‌کنن. فحش می‌دن»

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، دختران در خیابان در تجربه کار و مواجهه با فضاهای شهری و کنشگران آن و عملکردهای آنها، ضمن آشنا شدن با این فضاها و قواعد حاکم بر آن و آسیب‌های موجود در آن، تلاش می‌کنند تا با افزایش قابلیت‌های فردی و به کارگیری انواع راهکارهای فردی، برای حفاظت از خود دست به تعیین حد و مرزهای رفتاری و عملکردی بزنند. چنانچه برخی از آنها به این مسئله اشاره داشتند که با ایجاد «حد و مرز» می‌توان از دام این آسیب‌ها گریخت و در نهایت اگر با تهدیدی واقعی و عملی مواجه شوند، از حربه «فرار و گریز» استفاده می‌کنند. (مشارکت کننده کد ۱۴) درباره کار کردن خود در خیابان می‌گوید:

«به نظر من دخترا باید خیلی مواظب خودشون باشن. دخترا کم عقلن، مردا راحت می‌تونن گولشون بزنن؛ مثلاً ممکنه دختر پیش خودش بگه، باهاش برم خونه بهم گوشی بده، لباس بده... بعد می‌رن و اتفاق بدی می‌افته. به نظر من، دخترا باید طوری تربیت بشه که از مردا بترسه و باهاشون جایی نره. البته نه اینکه از مردا بدش بیاد ولی باید بتونه بیرون از خونه مواظب خودش باشه».

۲-۱-۲- تجربه خشونت و آزار

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های تحقیق نشان می‌دهد، اکثریت دختران مصاحبه شونده در طول زندگی خود و هنگام کار در خیابان، به نوعی خشونت را چه به لحاظ کلامی و چه غیر کلامی تجربه کرده‌اند. کتک زدن، توهین کردن، سرزنش، نگاه تحقیرآمیز، مسخره کردن و عبارات نامناسب جنسی، از جمله روش‌های آزار و اذیت این دختران بوده است. (مشارکت کننده کد ۱۶) دختر افغان در رابطه با آزار و اذیت دیگران در خیابان می‌گوید:

«چیزی که اذیتم می‌کرد این مردا بودن. دیدین به آدم چی می‌گن؟.. مثلاً ماشینم می‌گه بیا سوار ماشینم شو. من به حرفش توجه نمی‌کنم. من اون موقع که بچه بودم می‌خندیدم می‌گفتم این مرده چی می‌گه؟».

به نظر می‌رسد، بسیاری از مردان به این دختران به دید یک طعمه جنسی نگاه می‌کنند. اگرچه دختران در مصاحبه‌های خود اذعان می‌کنند که در مقابل آزارهای کلامی جنسی مردان، معمولاً مقاومت کرده‌اند اما به نظر می‌رسد آثار روانی این کنایه‌های جنسی آزاردهنده، بر روح و روان آنها باقی مانده و احساس ترس و عدم امنیت را در آنها ایجاد نموده است.

۳-۱-۲- عضویت در شبکه کارگروهی و باندها:

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، با توجه به اینکه اکثریت این دختران کار به مدرسه نرفته‌اند، مدتی پس از ورود به خیابان، با کودکانی که همانند خودشان در سطح خیابان به کار مشغول هستند، روابطی برقرار می‌کنند که این روابط در سطح گسترده تبدیل به گروه‌های دوستانه مختلف می‌شود. یکی از معیارهای تشکیل‌دهنده گروه‌های دوستی، تشابه قومیتی و فرهنگی است. روابط با دیگر کودکان نه تنها هویت شغلی به آنها می‌دهد، بلکه در برابر خطراتی که در خیابان آنها را تهدید می‌کند عاملی اطمینان‌بخش است. روابط آنها با یکدیگر درون‌گروهی است و آنها ویژگی‌های یکدیگر را دوست دارند و در برابر نیازها و مشکلات یکدیگر پاسخگو هستند. از مهم‌ترین ویژگی‌های روابط آنها داشتن مسائل و مشکلات مشابه، آسیب‌پذیر بودن و آسیب دیدن است. همچنین احساس نزدیکی دختران کار با یکدیگر به عوامل مختلفی چون اشتراکات قومی، مجاورت و نزدیکی فیزیکی و دغدغه‌ها و مشکلات مشترک مرتبط است. در این ارتباط (مشارکت‌کننده کد ۰۹) که در خانه ایرانی با او مصاحبه شد چنین گفت:

«من توی محل همه رو می‌شناسم. ما همه همدیگه رو می‌شناسیم. دخترها، پسرها، خواهرها و برادرها همه رو من می‌شناسم. یه مرده هست اذیت می‌کنه، هر کی رو می‌بینم میگم این ور نرین اون هستش یا این طرف. از دوستای خودمون مراقبت می‌کنیم. تو یه کوچو منتظرشون وایمیستیم تا برن».

علاوه بر این تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، برخی از این دختران تحت تأثیر زندگی و کار در خیابان با مواد مخدر نیز سروکار داشته‌اند. آشنایی دختران کار با مواد مخدر نشأت گرفته از فقر اقتصادی و فرهنگی درون خانواده‌های آنان است. این دختران در شرایط اجتماعی و خانوادگی ای قرار دارند که ممکن است ناخواسته با این مواد آشنا شوند یا در معرض استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از این مواد قرار گرفته و یا جذب باندهای مواد مخدر شوند. از طرفی در بسیاری

مواقع نیز این کودکان به علت جنسیت شان و شک برانگیزی کمتر، گزینه‌های مناسبی برای جابه جایی و توزیع مواد مخدر هستند و اغلب مورد سوءاستفاده والدین معتاد خود و یا باندهای توزیع مواد قرار می‌گیرند. (مشارکت کننده کد ۱۹) که به دلیل استفاده پدر از مواد مخدر به آن معتاد شده بود درباره ارتباط با اعضای خانواده خود چنین می‌گوید:

«... خودم می‌دونستم بابام معتاده. وقتی می‌خواست اعتیادشو چیز کنه می‌رفتم بیرون دود خور نشم. وقتی دود خور می‌شم تمام بدنم درد می‌گیره، فکر کنم دارم معتاد می‌شم، خیلی وقتا بابام منو می‌فرسته تا براش مواد بگیرم، یک ذره ازش برمیدارم.»

۲-۲- بی‌پناهی؛ ترس و نگرانی‌های مداوم

تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد، اکثر این دختران در طول زندگی خویش نوعی از ترس و نگرانی را تجربه می‌کنند که در سه مقوله فرعی «ترس از دستگیری»، «ترس از مجازات عدم کسب درآمد»، «ترس از آدم ربایی و سوءاستفاده جنسی» دسته‌بندی شده است.

۱-۲-۲- ترس از دستگیری

یکی از بزرگ‌ترین ترس‌هایی که همه دختران کار مشارکت کننده در این پژوهش آن را روایت می‌کنند، ترس از مأموران بهزیستی و شهرداری است. تقریباً تمامی آنان برخورد با مأموران بهزیستی را تجربه کرده‌اند و البته عده‌ای مدت زمانی را در بهزیستی گذرانده بودند. علت اصلی جمع‌آوری این دختران، توسط بهزیستی کار کردن در سطح شهر بوده است که در این برخورد، تفاوتی بین دختران افغان و دختران ایرانی (کولی) مشاهده نشده است. بنا بر روایت دختران مصاحبه شونده، ترس نهادینه شده‌ای از بهزیستی در آنها وجود داشت که تحت تأثیر نحوه رفتار مأموران در هنگام جمع‌آوری آنان توسط بهزیستی و شهرداری ایجاد شده که اغلب با روش‌های نامناسب و خشن انجام شده و باعث ایجاد ترس و استرس دائمی در این دختران شده است. (مشارکت کننده کد ۱۹) در این خصوص می‌گوید:

«فقط یه بار مأمورای بهزیستی دنبالم کردن. فرار کردم. دستشو گاز گرفتم. بابا گفت هر موقع بهزیستی دنبالت کرد فرار کن. دستشو گاز بگیر. اولین باره گرفتم.»

تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد، «ترس از مخدوش شدن هویت دخترانه» یکی از مهمترین علل ترس و نگرانی این دختران و در نتیجه اجتناب آنها از برخورد با مأموران بهزیستی و یا شهرداری است. به طوری که اولین دلیلی که دختران کار برای ناخوشایند بودن محیط بهزیستی بیان می‌کردند، کوتاه کردن موها یا کچل کردن آنها بود. آنها علاقه خاصی به موهای بلند خود داشتند. یافته‌ها نشان داد هر چند، کوتاه کردن موهای دختران لازم و ضروری به نظر می‌رسد، اما در عوض باعث ایجاد حس حقارت در این دختران و نیز اتخاذ موضع منفی نسبت به بهزیستی می‌شود. (مشارکت کننده کد ۱۵) درباره علت ترس دختران از بهزیستی می‌گوید:

«خانوم نوه ی خاله منو گرفته بهزیستی.....الان چند ساله اونجاست. هنوزم موهاش

کوتاهه .. دخترا دوست ندارن موهاشون کوتاه بشه. هم قد منه ولی موهاش کوتاست»

و یا در موردی دیگر (مشارکت کننده کد ۱۷) در رابطه با بهزیستی چنین گفت:

«من بهزیستی رفتم و بچه‌هاشم دیدم...مارو الان بگیرن شاید دلتنگ مامان و بابامون بشیم

ولی اونجا که بمونی عادت می‌کنی. اونجا غذات به موقع اس، کسی اذیتت نمی‌کنه، سرپناهی

روی سرت. ولی واسه ما خیلی سخته اونجا.. به چیزی که هست موهاشو می‌زنن. من خودم

رفتم به بار دیدم. موهارو می‌زنن. موهایی که بلند باشه. بعد کچلت می‌کنن»

این دختران به دلیل قالب‌ها و کلیشه‌های ذهنی‌شان در مقابل تغییر وضعیت موجود مقاومت می‌کنند. از طرفی، «دخترانگی» در نگاه این دختران از ارزش خاصی برخوردار است و آن را مساوی با بلندی مو می‌انگارند. در نتیجه، کوتاه کردن مو را مساوی با از دست دادن هویت دخترانه‌شان تلقی می‌کنند و پذیرش این موضوع برایشان دشوار است.

علاوه بر این «دوری از خانواده»، یکی دیگر از عواملی است که در بین دختران کار موجب ترس از اسکان در بهزیستی شده است. علیرغم اینکه این دختران در خانواده با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند، تعلق و وابستگی خاصی نسبت به خانواده‌شان دارند. این موضوع را هم می‌توان به جنسیت زنانه و ویژگی‌های مربوط به آن، نسبت داد و هم به تعلق خاطری که بشر همواره نسبت به خانواده و گروه‌های خویشاوندی داشته است.

ترس دیگر این دختران، مربوط می‌شود به دور شدن از فضای باز و آزاد محیط‌های شهری که در تضاد کامل با وضعیت فعلی آنها است. به نظر می‌رسد، کار در خیابان برای این دختران، علیرغم

مشقات فراوان، مزایایی نیز دارد؛ از جمله نوعی آزادی نسبی در رفت و آمد و تردد در فضاهای باز. فضای بهزیستی اگرچه، به دختران کار احساس امنیت می‌بخشد، در عوض آزادی آنها را تا حد زیادی سلب می‌کند و بسیاری از آنها حاضر نیستند این هزینه را پردازند. گویا، آنها به دنبال چیزی بیش از امنیت مادی و روانی هستند. تصور آنها از زندگی در بهزیستی، حاوی نوعی یکنواختی، بی‌هدفی و عدم پویایی است. (مشارکت کننده کد ۲۰) در این رابطه چنین گفت:

«نمی‌ترسیم از بهزیستی. ببین اولش که می‌گیرنت اونجا بیشتر برای پدر و مادرت ناراحت می‌شی. اونجا هر دو هفته‌ای یه بار می‌برنت بیرون. ما طاققت این چیزا رو نداریم. ما هر روز بیرونیم. یه هفته در میون دو هفته در میون تازه می‌خوان ببرنت یه جا. توی اتاق تنگ می‌شینن با خودت فکر می‌کنی. خب افسردگی می‌گیری از فکر کردن. خوبی بهزیستی اینه که فقط تو رو نگه می‌دارن. دیگه ترجیح می‌دیم اونجا نریم. خب الان هیچ کسی دوست نداره از مامان باباش جدا بشه. تو دوست داری جدا بشی از مامان بابات. مادر پدرت گوشتتو بخورن استخوانتو بیرون نمی‌ندازن. دیگه مامان باباتن.»

به نظر می‌رسد، دیدگاه دختران کار نسبت به بهزیستی، تحت تأثیر نوع برخوردهای بهزیستی و همچنین روایت‌های سایر بچه‌ها از عملکرد مأموران، دیدگاهی منفی است. تصور این دختران از بهزیستی مکانی است که دل‌بستگی‌ها و تعلقاتشان را از آنها سلب کرده و هویت دخترانه‌شان را مخدوش می‌کند که این مسئله می‌تواند تبعات و پیامدهای منفی زیادی بر نحوه حمایت از این دختران و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آنان باقی گذارد. با توجه به آنچه گفته شد این مسئله نیازمند بازنگری عملکردی و توجه بیشتر مسئولان امر در مواجهه با این دختران است.

۲-۲-۲- ترس از مجازات عدم کسب درآمد

تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد، از علل اصلی کار این دختران در خیابان، فقر خانواده‌ها است که آنها را برای کسب درآمد و پول روانه خیابان کرده است. یافته‌ها نشان داد که دختران نه تنها تمام درآمدهای خود را در خیابان کسب می‌کنند بلکه باید به خانواده‌هایشان بدهند بلکه هر روزه باید با پول به خانه بازگردند. نکته قابل تأملی که وجود دارد رابطه معکوسی است که بین ترس از کار نکردن از یک طرف و سن و سابقه کار دختران، وجود دارد. بدین معنا

که با افزایش سن دختران، این ترس از بین می‌رود، اما هر چه سن دختر و سابقه شروع به کار کمتر باشد، ترس بیشتری وجود دارد. (مشارکت کننده کد ۱۳) در این رابطه گفت:

«کوچیک بودم روزی ۳۰ تا ۵۰ تومن کار می‌کردم. آگه کار نمی‌کردیم عموم من و دختر ناتنیش رو کتک میزد. منم گدایی می‌کردم که کتک نخورم»

(مشارکت کننده کد ۰۵) نیز در این باره گفت:

«بچه که بودم من هر وقت می‌خواستم برم خونه از ترس دستمالارو مینداختم توی آب می‌گفتم تموم شده. اون موقع که کار می‌کردیم اون موقع‌ها زیاد در می‌آوردیم مثل الان که خسیس نبودن مردم، ولی الان کار نکنم برمی‌گردم خونه...»

۳-۲-۲- ترس از آدم ربایی و سوء استفاده جنسی

تحلیل مصاحبه‌های عمیق نشان می‌دهد، دختران کار به دلیل ترسی که از ربوده شدن دارند، دچار احساس بی‌اعتمادی و قضاوت‌های اغراق شده نسبت به افراد غریبه هستند. این بی‌اعتمادی باعث می‌شود گاهی محبت‌های زنان غریبه را نیز حمل بر سوءنیت آن‌ها تعبیر کنند. این موضوع، همان‌قدر که منجر به فاصله گرفتن از افراد غریبه می‌شود، انسجام درون‌گروهی آنان را بیشتر می‌کند. به عنوان نمونه به سختی حاضر به ارتباط با محقق شدند به طوری که جلسات متعددی برای جلب اعتماد و رضایت آنان نیاز بود. (مشارکت کننده کد ۱۸) در رابطه با ترسش در خیابان چنین می‌گوید:

«یه خانومه هر روز میاد بهم برمی‌گردد می‌گه بیا با هم دیگه بریم توی پارک بازی کنیم. من باهاش نمی‌رم. ماشین داره می‌گه بیا بریم توی ماشینیم بشینیم. من می‌گم نمیام. می‌گه چرا نمیای؟ می‌گم من مادرم اجازه نمی‌ده. میاد بغل دست من می‌شیننه می‌ره وسیله می‌گیره می‌گه بخور من بهش می‌گم نمی‌خورم توش سم می‌ریزن. من رفتم واسه خودم وسیله گرفتم نشستم گفتم خودت بخور. خودش انداخت بیرون».

۳-۲-۳- کودکی مختل شده دختران و چرخه محرومیت

«کودکی مختل شده دختران و چرخه محرومیت»، سومین مقوله اصلی در توصیف پیامدها و تبعات کار در خیابان برای دختران است که در قالب سه مقوله فرعی «محرومیت از فرصت

تحصیل و سوادآموزی»، «کودکی از دست رفته» و «از دست دادن سلامت جسمی و اجتماعی» دسته‌بندی شده است.

۱-۳-۲- محرومیت از فرصت تحصیل و سوادآموزی

یافته‌ها نشان از این دارد که بعضی از دختران مشارکت‌کننده در این پژوهش، به دلیل کار تمام وقت همچنان تا سن ۱۴ سالگی وارد مدرسه نشده‌اند و خانواده‌های آنان حتی تحصیل ابتدایی را برای آنها لازم و ضروری نمی‌دانند. تعدادی از آنها نیز که به مدرسه می‌روند در حد تحصیلات کلاس اول ابتدایی توانایی خواندن و نوشتن دارند. همچنین، نداشتن امید به ادامه تحصیلات و ورود به دانشگاه، آنها را نسبت به ادامه تحصیل در مدرسه ناامید می‌کند. این دختران، سرنوشت خود را تغییرناپذیر می‌دانند و به همین دلیل انگیزه‌ای برای تلاش به منظور تغییر این سرنوشت محتوم ندارند. تصور آنها از آینده، چیزی است که در چهارچوب خانواده‌هایشان درک کرده‌اند و نمی‌توانند چیزی بیش از آن برای خود متصور شوند. (مشارکت‌کننده کد ۲۰) درباره مدرسه چنین می‌گوید:

«یک هفته‌اس دیگه مدرسه نمی‌رم. دوست ندارم دیگه مدرسه برم خوشم نمیاد از درس خوندن. می‌خوام با پسر خالم ازدواج کنم. برای همین دیگه نمی‌خوام درس بخونم. ما حتی درسم بخونیم هم زود باید ازدواج کنیم»

بسیاری از این دختران، به دلیل چشیدن طعم فقر، همه چیز را با معیار مادی می‌سنجند و به این ترتیب، تحصیلات را امری بیهوده تلقی می‌کنند که نه تنها از نظر مادی حاصلی برای آنها ندارد، بلکه نوعی هزینه‌تراشی برای خانواده است.

۲-۳-۲- از دست دادن سلامت جسمی و اجتماعی

تحلیل داده‌های تحقیق نشان داد، اکثر دختران مشارکت‌کننده در پژوهش، از بهداشت روانی و فردی که برای سلامت آنها ضروری است محروم‌اند. این دختران از همان سن کم از نظر جسمی با توجه به مدت زمان زیاد حضور در خیابان، نیازمند انرژی و مواد غذایی مناسب هستند و به دلیل محروم بودن از مواد غذایی مناسب، دچار سوءتغذیه هستند، بنابراین آمادگی ابتلا به انواع بیماری‌ها را دارند. شدیدترین و جدی‌ترین خطری که این دختران را تهدید می‌کند

عدم رعایت مسائل بهداشتی و در معرض ابتلا به انواع بیماری‌ها قرار گرفتن است. به علت سوءتغذیه و تابش شدید آفتاب، معمولاً پوست دست‌ها و صورت آنها خشکیده است. بیماری‌های پوستی، بیماری‌های دندان، حالت تهوع شدید، گوش‌درد، پا درد و سرگیجه، از جمله شایع‌ترین بیماری‌های مرتبط با این دختران بوده است. (مشارکت کننده کد ۰۶) که در متروی تجریش با او مصاحبه شد می‌گوید:

«من پهلوم و رون پام زیاد درد می‌کنه. به خاطر اینکه زیاد می‌شینم روی زمین. پاهام درد می‌گیره بعضی وقتا، چون خیلی رفت و آمد می‌کنم پاهام درد می‌گیره. بعضی وقتا حالت تهوع هم دارم»

۲-۳-۳- کودکی از دست رفته

تحلیل داده‌های بدست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد، ازدواج‌های اجباری و زودهنگام، از جمله نگرانی‌ها و دلهره‌های دختران کار، به ویژه در بین دختران افغان است. یافته‌ها نشان می‌دهد، بیشتر این دختران بدون اطلاع و آشنایی قبلی، به اجبار از طرف خانواده، با ازدواج‌های از پیش تعیین شده از طرف خانواده پدری روبه‌رو می‌شوند. بعضی از این دختران برای بیرون آمدن از این شرایط حتی اقدام به خودکشی و در بیشتر مواقع نیز برای ازدواج با آدم‌لخواه خود دست به فرار می‌زنند که در اکثریت مواقع، مورد خشونت جسمی و یا کلامی از طرف مردان قرار می‌گیرند. (مشارکت کننده کد ۱) در این رابطه می‌گوید:

«یکی از فامیلامونو توی سن ۶ سالگی به خاطر گوسفند به یه مرد ۶۰ ساله دادنش. ما از اولین چیزی که می‌ترسیم ازدواج اجباریه. دختر که به دنیا می‌آد بنام می‌زنن. ندن دعوا می‌شه. مادرم منو تو سن بچگی عروس کردن هر روز فحاشی می‌کنه. بعضی از مردا سخت می‌گیرن. تنها راه حلم برای زنه خودکشیه. من خیلی‌ها رو سراغ دارم که خودشونو کشتن».

جدول (۲) توزیع مقولات اصلی و فرعی در خصوص پیامدها و تبعات کار دختران در خیابان

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
مخاطرات خیابانی و دخترانگی مخدوش شده	تجربه کار زودهنگام در محیط‌های پرمخاطره و نامناسب	خشونت فیزیکی و کلامی، سوءاستفاده جنسی، آشنایی
	تجربه خشونت، دست‌درازی و آزار	زودهنگام با روابط جنسی، بلوغ
	عضویت در شبکه کار گروهی و باندها	زودرس، آشنایی زود هنگام با مواد مخدر

ادامه جدول (۲) توزیع مقولات اصلی و فرعی در خصوص پیامدها و تبعات کار دختران در خیابان

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
بی‌پناهی؛ ترس و نگرانی‌های مداوم	ترس از دستگیری	ترس از مأموران بهزیستی و شهرداری، ترس از کچل کردن مو، ترس از دوری از خانواده، ترس از دست دادن آزادی حضور در خیابان، ترس از عدم فروش و کسب درآمد، ترس از غریبه‌ها و..
	ترس از مجازات عدم کسب درآمد	
	ترس از آدم ربایی و سوءاستفاده جنسی	
کودکی مختل شده دختران و چرخه محرومیت	کودکی از دست رفته	سوء تغذیه، افسردگی و اضطراب، بیماری‌های جسمی، خستگی مفرط، بی‌سوادی، از دست دادن فرصت آموزش، فقر و مشکلات اقتصادی، ازدواج اجباری و غیره
	از دست دادن سلامت جسمی و اجتماعی	
	محرومیت از فرصت تحصیل و سوادآموزی	

۳- راهکارها و استراتژی‌های دختران کار در خیابان

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌هانشان می‌دهد، دختران کار مشارکت‌کننده در این پژوهش، برای حفظ خود و کنارآمدن با شرایط موجود زندگی، استراتژی‌ها و راهکارهای مختلفی را به کار گرفته و یا پیشنهاد می‌دهند که اغلب راهکارهایی فردی و بیشتر کوتاه مدت است، که در قالب مقوله‌های «پایبندی به ارزش‌های دینی»، «ایجاد مشاغل خانگی»، «ازدواج» و «آرزوی برگشتن به وطن» دسته‌بندی شده است.

۳-۱- پایبندی به ارزش‌های دینی

طبق مصاحبه‌های انجام شده به نظر می‌رسد دختران کار از هر گروه و قومیتی (ایرانی و افغان) اعتقادات مذهبی و باورهای سنتی دارند و تا حدودی دینداری و توکل بر خداوند شرایط سخت زندگی آنان را سهل‌تر می‌کند. (مشارکت‌کننده کد ۰۷) آرزوی خود را این‌گونه توضیح داد:

«دوست دارم دختری باشم نماز و قرآن بخونم. من نماز می‌خونم. می‌خواستم قاری بشم.

دوست دارم قرآن بخونم. معنی شو می‌خونم. شب لیلہ/القدر روزه می‌گیرم، نماز می‌خونم...»

همچنین براساس مصاحبه‌های انجام شده با دختران به نظر می‌رسد که اکثریت دختران از حجاب به عنوان یک استراتژی برای کاهش آسیب‌هایی که در خیابان در انتظار آنان است

استفاده می‌کنند. از نظر آنان حجاب باعث می‌شود که آنان در سطح خیابان هنگامی که مشغول به کار هستند کمتر دیده شوند که خود باعث جلوگیری از توجه دیگران به آنها و شنیدن پیشنهادهای نامناسب جنسی است. (مشارکت کننده کد ۰۸) ساله در این رابطه چنین گفت:

«ما حجاب می‌گیریم چون پسر را رد می‌شن حرف بد می‌زنن. همش بهمون پیشنهادهای بد می‌دن. ما روسریمونو می‌کشیم جلو که صورتمون و موهامون دیده نشه».

۲-۳- ایجاد اشتغال خانگی

تحلیل داده‌ها نشان داد، تقریباً تمامی دختران کار اعم از ایرانی و افغان علاقه بسیار زیادی به کارهای خانگی (درون منزل) به جای کار در خیابان دارند. تعدادی از مشارکت کنندگان که در خانه ایرانی بنا بر روایت خودشان کارگاه می‌زدند، به شدت به این کار علاقه داشتند و از انجام آن به جای کار در خیابان خرسند بودند. مثلاً (مشارکت کننده کد ۰۱) ساکن خانه ایرانی گفت:

«کاری رو دوست دارم انجام بدم که درست باشه نه دیگه مثل کارای بیرون مثلاً کارگاه بزنیم درآمد داشته باشیم... تو خیابون کار کردنو دوست ندارم...»

۳-۳- ازدواج

طبق یافته‌های این پژوهش، هر چند اکثریت دختران کار با ازدواج‌های از پیش تعیین شده و اجباری رو به رو هستند اما یکی از استراتژی‌هایی که دختران برای رهایی از کار به آن امید دارند، ازدواج است. البته توجه به تفاوت‌های فرهنگی در انتخاب این استراتژی با توجه به قومیت حائز اهمیت است. با در نظر گرفتن اینکه در بسیاری مواقع، علت کار دختران کولی فرهنگی و علت کار دختران افغان مادی است، طبق مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد دختران ایرانی (کولی) با ازدواج از گردونه کار خارج نمی‌شوند و تنها برای آنان امیدی برای زندگی کمی مناسب‌تر و هیجان انگیزتر در مقایسه با زندگی در کنار والدین است. برخلاف دختران افغان که با ازدواج‌های تعیین شده و اجباری، کار در خیابان حذف می‌شود و کارهای آنها به همسرداری و یا کار درون منزل خلاصه می‌شود. (مشارکت کننده کد ۰۹)

دختر غربتی در این مورد چنین گفت:

«ما مجبوریم بیرون کار کنیم. حتی خونه شوهر. ما نه خونه بابا و نه خونه شوهر استراحت نداریم. استراحت ما توی قبره»

(مشارکت کننده کد ۱۷) دختر افغان در مورد ازدواج گفت:

«ما ازدواج کنیم مردا بد می‌دونن بیرون کار کنیم؛ اما فک نکنین توی خونه کار نمی‌کنیم. بخصوص وقتی شوهره زنشو دوست نداشته باشه حتما زنه باید کار کنه. ما توی خونه کار می‌کنیم. نبات درست می‌کنیم یا سیم صاف می‌کنیم. خیلی سخته. چوبای نباتا همش می‌ره توی دستمون و زخم می‌شه».

۴-۳- آرزوی برگشتن به وطن

تعداد زیادی از دختران افغان مصاحبه‌شونده؛ مهاجرت و شرایط اقتصادی، نداشتن منابع کار و اشتغال، اقامت غیررسمی و مواردی دیگر را از دلایل کار کردن خود می‌دانند. دختران افغان از کشور خود دست نمی‌کشند و به آن وفادار هستند. بنا بر روایت‌های بیان شده، آنها اشتیاق زیادی برای بازگشت به کشورشان داشتند آنها برگشت به وطن را مساوی با کار نکردن در خیابان تلقی می‌کردند. (مشارکت کننده کد ۱۱) دختر افغان گفت:

«دوست دارم برگردیم افغانستان. اونجا دخترا کار نمی‌کنن... اونجا یه چیزهای خوبی داره. لباسای خیلی سستی داره. الان جنگه می‌ترسیم بریم...»

به نظر می‌رسد، دختران افغان رؤیای بازگشت به وطن را دارند و این رؤیا برای آنها مساوی با یک زندگی بهتر است. وطن در دیدگاه این دختران جایی است که در آن می‌توان زن بود و زنانگی کرد (لباس سستی پوشید)، و اجباری برای کار دختران در خیابان وجود ندارد. در واقع، آنان کار کردن در خیابان را به نوعی مغایر با زنانگی‌شان می‌دانند و در افق دیدشان، روزی را می‌بینند که با رهایی از کار اجباری به آغوش زنانگی فراموش‌شده‌ی خویش برمی‌گردند؛ دیدگاهی که در ناخودآگاه ذهن این دخترکان جای گرفته است و در لابه‌لای گفتگوهای آگاهانه آنها چندان مشهود نیست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شده تا پیامدها و تبعات کار و حضور دختران در خیابان بنا بر روایت خود آنان و با استفاده از روش تحقیق کیفی و مطالعه تجربه زیسته آنها مورد مطالعه و بررسی

قرار گرفته و در نهایت راهکارها و استراتژی‌های آنها برای کنارآمدن با شرایط زندگیشان شناسایی و دسته‌بندی شود. در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد، تبعات و پیامدهای کار در خیابان برای دختران مشارکت کننده در این پژوهش، در قالب سه مقوله اصلی «مخاطرات خیابانی و دخترانگی مخدوش شده»، «بی‌پناهی؛ ترس و نگرانی‌های مداوم» و «کودکی مختل شده دختران و چرخه محرومیت» قابل طبقه‌بندی است.

بنا بر تحلیل داده‌های این پژوهش، مقوله اصلی «مخاطرات خیابانی و دخترانگی مخدوش شده» خود دربردارنده سه مقوله فرعی «تجربه کار زود هنگام در محیط‌های پرمخاطره و نامناسب»، «تجربه خشونت، دست‌درازی و آزار» و «عضویت در شبکه کارگروهی و باندها است». بر اساس یافته‌های تحقیق، حضور و زندگی در محیط‌های پرمخاطره موجب شده تا دختران ضمن تجربه زود هنگام کار، وارد محیط‌های نامناسب نیز بشوند. به طوری که اغلب آنها علی‌رغم سن کم تجربه‌های ناخوشایندی از خشونت داشته و رفتارهای کلامی و غیرکلامی خشونت‌آمیز اطرافیان و همچنین برخی شهروندان را تجربه کرده‌اند. تجربه‌های آزار و رفتار خشونت‌آمیز اغلب طیف گسترده‌ای از رفتارها را از حوزه‌های خصوصی و درون خانواده تا محیط‌های شهری و عمومی شامل می‌شود. با این حال شدت و نوع خشونت تحت تأثیر سن، قومیت و فرهنگ و همچنین نحوه فعالیت‌ها و کار روزمره این دختران متفاوت است. مطابق با چارچوب مفهومی پژوهش و ارجاع به رویکرد آسیب‌شناسانه، دختران کار قربانی و آسیب دیده‌ی اجتماعی هستند که تحت تأثیر شرایط بی‌سازمانی اجتماعی و دیگر مسائل اجتماعی در چنین شرایطی قرار گرفته و مجبور به کار در خیابان شده است. کاتیوریا و کومار پانديا (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود بر وضعیت استعمار شده دختران کار اشاره دارند.

علاوه بر این، یافته‌هایشان می‌دهند، تجربه خشونت، دست‌درازی و آزار، از جمله تجربیاتی است که دختران کار علی‌رغم سن کم و تحت تأثیر موقعیت فرودست خود در جامعه و به دلیل جنسیت‌شان، آن را تجربه می‌نمایند. این یافته پژوهش نیز با ارجاع به چارچوب مفهومی پژوهش و تحت تأثیر شرایط و عواملی نظیر فقر و موقعیت فرودست دختران و تجربه انواع خشونت قابل تبیین است. از طرفی نتایج پژوهش تیلر و جانسون (۲۰۰۶) نیز نشان می‌دهد،

دختران علاوه بر فشارهای روانی مستقیم ناشی از بهره‌کشی جنسی با برچسبی مربوط به این شرایط نیز رو به رو هستند. بنابراین کار کردن دختران در خیابان، برای آنان امری مخاطره‌آمیز خواهد بود. در تأیید این یافته، نتایج پژوهش خیری حسن و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهد، از بزرگترین مشکلات برای کودکان کار در خیابان به ویژه دختران، سوءاستفاده جنسی است، که ممکن است پیامدهای زیادی بر وضعیت سلامت جسمانی و روانی آنها باقی گذاشته و در بلند مدت آنها را به سوی ارتکاب اعمال و رفتارهای پرخطری چون مصرف مواد مخدر و بی‌بندوباری‌های جنسی سوق دهد. (خیری حسن و همکاران، ۱۳۹۵).

«عضویت در شبکه کارگروهی و باندها» از دیگر مقولات فرعی این پژوهش است که به نوعی مخاطرات خیابانی برای دختران را در زمره پیامدها و تبعات کار در خیابان نشان می‌دهد. بنا بر نتایج عضویت در گروه‌ها ممکن است اغلب تحت تأثیر نیاز به حمایت‌های دوستانه و با هدف کاهش ترس از آزار و محافظت از خود اتفاق افتد. در برخی مواقع نیز ممکن است باندها و گروه‌های بزهکاری چون باندهای مواد مخدر از این دختران به عنوان پوشش برای جابه‌جایی و توزیع مواد مخدر استفاده نمایند، اگرچه ممکن است در برخی مواقع نیز این سوءاستفاده از سوی والدین و یا سرپرستان دختران اتفاق افتد و حتی زمینه مصرف مواد مخدر را نیز برای آنان به نوعی فراهم نماید. نتایج پژوهش لیتن و استرل^۱ (۲۰۱۴) نیز نشان می‌دهد، حضور طولانی مدت در خیابان، در اغلب مواقع موجب آشنایی این دختران با باندها و گروه‌های نوجوانان و جوانان می‌شود. از طرفی نتایج تحقیق برات‌وند و نورزاده (۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهد، سوءمصرف مواد در میان کودکان کار سیر منظمی ندارد، بلکه روندی موقعیتی و به طور کامل مبتنی بر شرایط مالی کودک و نیز اطرافیان و هم‌گروهی‌های آنها دارد (برات‌وند و نورزاده، ۱۳۹۸: ۱۸۲).

«بی‌پناهی؛ ترس و نگرانی مداوم» دومین مقوله اصلی است که در این پژوهش در توصیف پیامدها و تبعات کار دختران در خیابان، شناسایی و ارائه شده است که خود شامل سه مقوله فرعی «ترس از دستگیری»، «ترس از مجازات عدم کسب درآمد» و «ترس از آدم ربایی و سوءاستفاده جنسی» می‌شود. ترس‌های نهادینه‌شده‌ای که اغلب تحت تأثیر ویژگی‌های فردی این

دختران، نظیر سن و سابقه کار در خیابان، تجربه‌هایی متفاوت می‌باشد. با این حال ترس‌هایی است که اغلب در طول زندگی روزمره و تجربه زیسته در آنها نهادینه شده است. ترس از عدم کسب درآمد و بازگشت بدون پول از جمله این ترس‌ها است. نتایج پژوهش وامقی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داده است که ۷۹ درصد کودکان تمام یا بخشی از درآمدی را که در خیابان کسب می‌کنند به خانواده‌هایشان تعلق می‌گیرد و ۱۳ درصد کودکان همه درآمدشان را برای خود خرج می‌کنند. کودکان افغان نسبت به کودکان ایرانی، کل درآمد خود را تنها به خانواده اختصاص می‌دهند. در بین کودکان خیابانی ۱۰ تا ۱۴ سال ۵۱ درصد و ۱۵ تا ۱۸ سال ۳۹ درصد درآمد خود را به خانواده‌های خود می‌دهند و این تفاوت در دو گروه معنادار بوده است (وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹).

از طرفی ترس از دستگیری نیز، از جمله ترس‌های مداوم و احساس شده این دختران است که علاوه بر جنبه‌های فردی، تحت تأثیر عملکرد نهادهای حمایتی نظیر بهزیستی و شهرداری در مواجهه با این دختران است که اغلب برای آنها ترس و واهمه‌ای متفاوت از آنچه پسران در روبه‌رو شدن با مأموران تجربه می‌کنند، به دنبال دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش «مخدوش شدن هویت دخترانه» یکی از مهمترین نگرانی‌های این دختران در مواجهه با مأموران است که با «کوتاه کردن و کچل کردن» این دختران بدون توجه به جنبه‌های دخترانگی آنها اتفاق می‌افتد و موجب می‌شود عملکرد حمایتی این سازمان‌ها تحت تأثیر این اقدام قرار گرفته و برای دختران تداعی کننده ترس و واهمه مضاعف باشد. ترس و واهمه‌ای که در کنار دوری از خانواده و همچنین محرومیت از حضور در خیابان و ترک عادت دیرینه، موجب پریشانی و اضطراب در آنها می‌شود. این یافته تحقیق، حائز توجه بیشتر مسئولان امر و سیاست‌گذاران برنامه‌های حمایتی به منظور انجام اقدامات جایگزین «جنسیت محور» و بازنگری در شیوه عملکردی است. از این رو تحقیق و بررسی جداگانه و دقیقی در این زمینه پیشنهاد می‌شود.

علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش نشان داد «کودکی مختل شده دختران و چرخه محرومیت» سومین مقوله اصلی است که دربردارنده پیامدها و تبعات کار دختران در خیابان است و شامل سه مقوله فرعی «از دست دادن سلامت جسمی و اجتماعی»، «محرومیت از فرصت تحصیل و سوادآموزی» و «کودکی از دست رفته» می‌شود. این یافته تحقیق نیز با ارجاع به

چارچوب مفهومی پژوهش و رویکرد طرد و عدم ادغام اجتماعی و محرومیت‌ها و ناکامی‌های ناشی از آن و پیامدهای این محرومیت‌ها قابل تبیین است.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد حضور و کار دختران در خیابان علاوه بر آن که موجب از دست دادن سلامتی جسمی و اجتماعی آنها شده ممکن است آنها را در معرض انواع بیماری‌های جسمی و روانی قرار دهد. از طرفی شانس دسترسی به فرصت تحصیل را نیز از آنها سلب می‌کند. فرصتی که می‌توانست در خروج آنها از دور باطل فقر و کار در خیابان مؤثر باشد. علاوه بر این شرایط زندگی نامساعد و ورود زود هنگام به کار، آن‌هم کار در محیط‌های شهری و خیابان‌ها، علاوه بر اینکه فرصت بازی و کودکی را از این دختران می‌گیرد، شرایطی را در زندگی آنها رقم می‌زند که اغلب مجبور به پذیرش ازدواج‌های اجباری، حتی با افرادی با اختلاف سنی بالا می‌شوند. اگرچه برای برخی از این دختران همانطور که در بخش راهکارها و استراتژی‌ها بیان شده، ازدواج راهی برای فرار از شرایط سخت و دشوار کار در خیابان است، با این حال تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در بسیاری از مواقع این مسئله اتفاق نیفتاده و شرایط این دختران چه بسا دشوارتر از قبل نیز می‌شود. ازدواج با افراد مسن، رفتارهای خشونت‌آمیز و از همه بدتر اجبار مجدد به کار در خیابان که در تجربه دختران و زنان کولی، بدان اشاره شده است، شرایط را برای آنان سخت‌تر می‌کند. نتایج تحقیق برات‌وند و نورزاده (۱۳۹۸) نشان می‌دهد، اکثریت دختران کار با پدیده ازدواج زود هنگام مواجه می‌شوند. به طوری که در بسیاری از مناطق خاورمیانه دختران بسیار زود وادار به ازدواج می‌شوند، ضمن اینکه دختران همچون سرمایه محسوب می‌شوند و در ازای ازدواج دختر مبلغی به خانواده پرداخت می‌شود (برات‌وند و نورزاده، ۱۳۹۸: ۱۵).

در نهایت یافته‌های این پژوهش نشان داد، دختران مشارکت‌کننده در این تحقیق ضمن آگاهی نسبی از شرایط و موقعیت سخت‌شان در خیابان، تلاش می‌کنند تا با اتکاء به اعتقادات و باورهای مذهبی و کناره‌گیری از افراد سودجو و مزاحم، از طریق برخی رفتارهای ظاهری و اقدامات فردی، نظیر حفظ پوشش و حجاب، شرایط کار در خیابان را برای خویش کمی قابل تحمل‌تر نمایند. اگرچه دختران افغان با اطلاع از فرهنگ و اعتقادات مردم کشورشان، اغلب تنها

راه رهایی از شرایط کنونی و کار اجباری را در بازگشت به وطن و تقید خانواده به آداب و رسوم و اجرای ممنوعیت کار دختران در خیابان، می‌دانند.

منابع

- 0 ابراهیمی لویه، عادل؛ میرزایی راجعونی، سلیمان (۱۳۹۶). تحقیق کیفی در علوم اجتماعی. چاپ اول.
- 0 استربرگ، کزستین جی (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه احمد پوراحمد، علی شماعتی، دانشگاه یزد.
- 0 افشانی، علیرضا؛ عسگری ندوشن، عباس؛ حیدری، محمد؛ نوریان نجف آبادی، محمد (۱۳۹۱) تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر تهران. ۸۵-۱۰۲
- 0 برات وند، محمود؛ نورزاده، مهرداد (۱۳۹۸). خیابان زیستی کودکان شناخت، دیدگاهها و راهکارها، تهران: انتشارات آوای نور. چاپ اول.
- 0 شیشه گران، مریم؛ حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۹۷). بررسی بزه شناختی کودکان کار، فصلنامه علمی حقوقی، دوره دوم-شماره هشتم، ۴۷۷-۵۰۶.
- 0 خیری حسن محبوبه؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ تقوایی، داود (۱۳۹۵). تفاوت پرخاشگری و اضطراب در کودکان کار با و بدون سوء استفاده جنسی. مجله پرستاری کودکان. ۱۵: (۲). ۱۰-۱۵
- 0 سادات حسینی، اکرم السادات (۱۳۹۶)، تحلیل مفهوم خود پنداری در کودکان کار خیابانی، نشریه پرستاری ایران، شماره ۱۰۹، ۵۴-۶۶
- 0 صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۶)، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- 0 فولادیان، مجید؛ طوسی فر، جمال؛ وزیری، سیدحسین (۱۳۹۴)، روایت پژوهی کودکان کار شدن در شهر مشهد، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۲، ۴۸۵-۵۱۰.
- 0 کاظمی، سیمین (۱۳۹۵)، کودکان کار: در جهانی که هرگز نساخته اند. دوره ۴، شماره ۲، ۷۶-۷۸
- 0 مرادی، اکرم؛ سجادی، حمیرا؛ محقق کمال، سید حسین؛ وامقی مروئه، حسینی تشنیزی؛ سعید، قائد؛ امینی، غلامرضا (۱۳۹۴)، بررسی سلامت اجتماعی کودکان کار مراجعه کننده به مراکز مردم نهاد حمایت از حقوق کودکان تهران در سال ۱۳۹۳، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۴، ۹۷۷-۹۸۸

- 0 میرحسینی، زهرا؛ قربانی، الهه (۱۳۹۸). تجربه زیسته دختران کار خیابانی؛ در بستر ملاحظات جنستی و تفاوت های قومیتی، علوم اجتماعی (علامه طباطبائی) شماره ۸۴، ۱۲۷-۱۵۴.
- 0 هزار جریبی، جعفر؛ آستین افشان، پروانه (۱۳۸۶). عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر خیابانی شدن کودکان در استان تهران، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲۸، ۱۷۶-۱۵۵.
- 0 وامقی مروئه، روشنفکر پیام، دژمان معصومه، رفیعی حسن، فروزان آمنه ستاره (۱۳۹۴). بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲، ۳۹۱-۴۱۶.
- 0 Audu, B., Geidam, A., & Jarma, H. (2009). Child labor and sexual assault among girls in Maiduguri, Nigeria. *International Journal of Gynecology & Obstetrics*, 104(1), 64-67.
- 0 Aptekar, L., & Stoecklin, D. (2014). Street children and homeless youth. *Dordrecht, Heidelberg, New York*.
- 0 Alam, I. M., Amin, S., & Rives, J. M. (2015). A double-hurdle analysis of the gender earnings gap for working children in Bangladesh. *The Journal of Developing Areas*, 41-58.
- 0 Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2016). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- 0 ILO (International Labour Organization). (2017). Global estimates of child labour: Results and trends, 2012-2016.
- 0 Lieten, G. K., & Strehl, T. (2014). Child street life: an inside view of hazards and expectations of street children in Peru. Springer.
- 0 Pellenq, C., Gunn, S., & Lima, L. (2021). The psychological health and well-being of children working in the brick industry: A comparative study. *Safety Science*, 140, 105251.
- 0 Reza, M. H., & Bromfield, N. F. (2019). Poverty, vulnerability and everyday resilience: How Bangladeshi Street children manage economic challenges through financial transactions on the streets. *The British Journal of Social Work*, 49(5), 1105-1123.
- 0 Sharma, D., & Verma, S. (2013). Street girls and their fight for survival across four developing countries. *Psychological Studies*, 58(4), 365-373.
- 0 UNICEF. (2004). *Progress for children* (Vol. 1). UNICEF.
- 0 Tyler, K. A., & Johnson, K. A. (2006). Trading sex: Voluntary or coerced? The experiences of homeless youth. *Journal of Sex Research*, 43(3), 208-216.
- 0 Waziri, T. I. (2019). *Factors Influencing Persistence of Child Labour in Tanzania: A Case Study of Morogoro Rural District* (Doctoral dissertation, The Open University of Tanzania).